

تحلیل تجارب زیسته اعضای هیئت علمی کشاورزی از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت

مهتاب پورآتشی^{۱*}

(دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸)

چکیده

مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت علمی در جامعه و صنعت یکی از راهکارهای برقراری ارتباط نظام‌مند دانشگاه با جامعه و صنعت است و برای برنامه‌ریزی و اجرای هرچه اثربخش‌تر این مهم لازم است کم‌وکیف این برنامه بر اساس تجارب زیسته ذی‌نفعان مورد واکاوی عمیق قرار گیرد. بنابراین، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی به تحلیل تجارب زیسته اعضای هیئت علمی کشاورزی از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت پرداخته است و بدین منظور از روش پدیدارشناسی بهره گرفته شده است. برای گردآوری داده‌ها با اعضای هیئت علمی کشاورزی منتخبی از دانشگاه‌های کشور مصاحبه عمیق انجام گرفت و تا انجام ۱۳ مصاحبه و رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) انجام گرفت. برای بررسی دقت و اعتبار داده‌ها از معیارهای قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اطمینان و قابلیت تأیید استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد دستاوردهای قابل انتظار از مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت علمی در جامعه و صنعت شامل چهار مقوله (الف) ارتقای علمی، آموزشی و پژوهشی؛ (ب) اعتمادسازی و گسترش همکاری آتی؛ (ج) ارتباطات، حمایت و شبکه‌سازی؛ و (د) فردی-حرفه‌ای می‌باشد. این درحالی است که بر اساس تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان در پژوهش، (الف) شفافیت و اطلاع‌رسانی؛ (ب) فرایند اداری؛ (ج) ضوابط و دستورالعمل‌ها؛ (د) خدماتی حمایتی؛ و (ه) همسویی با دغدغه هیئت علمی از چالش‌های مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت علمی در جامعه و صنعت است که برای اجرای اثربخش مأموریت مطالعاتی لازم است تصمیم‌گیری‌ها و اقداماتی برای حذف و از میان برداشتن چالش‌های بیان شده صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: مأموریت مطالعاتی، جامعه و صنعت، دانشگاه، ارتقای علمی، شبکه‌سازی، گسترش همکاری آتی.

^۱ عضو هیات علمی، گروه مطالعات تطبیقی در آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: m.pouratashi@irphe.ir



از میان بخش‌های اقتصادی کشور، بخش کشاورزی از جمله ارکان مهم است که در دستیابی به امنیت غذایی و توسعه نقش قابل توجهی دارد (اطه‌ری، ۱۴۰۰). از آنجا که توسعه کشاورزی و روستایی به بهره‌گیری از دانش و تکنولوژی وابسته است، ارتقای کیفیت دانش نیروی انسانی آموزش دیده دانشگاهی و تعامل مناسب و مطلوب دانشگاه و صنعت در بخش کشاورزی از جمله راه‌های تحقق پیشرفت و توسعه کشاورزی می‌باشد (میرشکاری و همکاران، ۱۳۹۵؛ اطه‌ری، ۱۴۰۰). به عبارت دیگر، یکی از نیازهای ضروری برای توسعه بخش کشاورزی، افزایش دانش، آگاهی و بهبود مهارت‌ها می‌باشد (پیرامون و همکاران، ۱۴۰۱). مأموریت آموزش عالی کشاورزی به منظور حمایت از بخش کشاورزی و توسعه روستایی باید به سوی اهدافی فراتر از مأموریت‌های سنتی دانشگاه هدایت شود و اعضای آن علاوه بر مسئولیت در برابر توسعه حرفه‌ای خود، در قبال سایر جمعیت کشاورزی نیز مسئول باشند (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، در جهان پیچیده و رقابتی همراه با توسعه روزافزون و سریع فناوری‌ها، ارتباط دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی با جامعه، صنایع، شرکت‌ها و دستگاه‌های اجرایی بیش از پیش اهمیت یافته است تا از این رهگذر بتوان در شناسایی و رفع مسائل کشور موفق‌تر عمل نمود. ارتباط صحیح و مؤثر دانشگاه و مراکز علمی با صنعت موجب اطلاع جامعه علمی از نیازها و مسائل سازمان‌ها و نهادهای مختلف می‌شود؛ این موضوع سبب می‌شود مدیران اجرایی از ظرفیت‌های علمی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها استفاده کنند (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۰). ارتباط دانشگاه و صنعت همواره موضوع گفتگو و بحث‌های علمی بوده و علی‌رغم این‌که گاهی با انتقادات و چالش‌هایی مواجه شده، همزمان نیز مورد تأکید قرار گرفته است و به آن به عنوان سرمایه‌گذاری دوجانبه نگریسته می‌شود (Sun & Turner, 2022). ارتباط دانشگاه و صنعت می‌تواند موجب افزایش نوآوری، انتقال دانش و فناوری گردد و در صورت تعامل پایدار بین این دو نهاد، توسعه صنعتی و در پی آن، توسعه اقتصادی و اجتماعی را می‌توان انتظار داشت (بریمانی و عنایتی، ۱۴۰۰). بر این اساس، تعامل دانشگاه و صنعت در بخش کشاورزی مزایای فراوانی برای هر دو بخش از جمله ارتقای بهره‌وری، ایجاد فرصت برای همکاری همراه با اعتماد متقابل، زمینه‌سازی تعاملات و ارتباطات آتی، ارتقای توانمندی‌های شغلی و حرفه‌ای دانشجویان کشاورزی دارد (میرشکاری و همکاران، ۱۳۹۵). به طور کلی، همکاری‌های دانشگاه و صنعت در ایجاد و گسترش منابع و فرصت‌های تحقیق و توسعه برای دانشگاه و بخش صنعت اهمیت بی‌بدیل دارد (Bhullar et al., 2019).

شیوه‌های مختلفی برای ارتباط و تعامل دانشگاه و صنعت وجود دارد. در این میان، یکی از راه‌هایی که زمینه‌ساز ارتقا و تقویت ارتباط مراکز دانشگاهی با جامعه، صنعت، دستگاه‌های اجرایی کشور و انتقال یافته‌های پژوهشی است؛ ارائه مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت می‌باشد که از آن به عنوان فرصت مطالعاتی در جامعه و صنعت نام‌برده شده است. اهمیت این موضوع تا بدان حد است که در سال ۱۳۹۷ شیوه‌نامه "فرصت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در جامعه و صنعت" به منظور برقراری ارتباط قوی و منسجم میان دانشگاه و پژوهشگاه با بخش‌های جامعه و صنعت در همه حوزه‌های علمی و عملیاتی کردن یافته‌های اعضای هیئت‌علمی و آشنایی آنان با نیازهای واقعی صنعت و جامعه در وزارت علوم و تحقیقات و فناوری مصوب و به دانشگاه‌ها ابلاغ گردید. مطابق با ماده ۲ این شیوه‌نامه، " (۱) کمک به افزایش شناخت اعضای هیئت‌علمی مؤسسه‌ها از فضای کار واقعی در جامعه و صنعت، (۲) تقویت ارتباط مؤسسه با جامعه و صنعت و گسترش همکاری‌های پایدار علمی و پژوهشی بین مؤسسه و واحد عملیاتی، (۳) استفاده مفید و مؤثر از امکانات، آزمایشگاه‌ها و تجهیزات واحدهای عملیاتی، (۴) جهت‌دهی به پژوهش‌های مؤسسه و گسترش دانش و فناوری کاربردی موردنیاز جامعه و صنعت، (۵) انتقال و ترویج یافته‌های جدید دانش و فناوری مؤسسه به جامعه و صنعت با هدف ارتقای توان علمی و فنی واحدهای عملیاتی، (۶) کمک به رفع مشکلات علمی و تخصصی واحدهای عملیاتی، (۷) شناسایی مشکلات واحدهای عملیاتی از لحاظ تنوع و کیفیت محصول یا خدمات، قیمت، زمان تحویل و غیره و طرح پیشنهاد و راهکار برای حل آن‌ها، (۸) شناسایی فناوری‌های موردنیاز و طرح پیشنهاد برای تدوین یا انتقال فناوری به واحدهای عملیاتی، (۹) مشارکت در سیاست‌گذاری و تعریف طرح برای اصلاح فرایندها و محصولات و توسعه پایدار اقتصادی کشور، مانند مصرف بهینه انرژی، ارتقای سلامت و ایمنی و بهبود محیط‌زیست مردم" اهداف فرصت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت می‌باشند (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۷).

در حوزه ارتباط دانشگاه و صنعت پژوهش‌های گوناگونی در جهان و ایران انجام شده است؛ تا این موضوع مهم از زوایای مختلف و از لحاظ مواردی مانند عوامل مؤثر بر ارتباط بین دانشگاه و صنعت، مزایا، چالش‌ها و راهکارهای برقراری ارتباط مؤثر بین دانشگاه و صنعت مورد بررسی قرار گیرد. پریا و همکاران (Priya et al., 2021) در مطالعه تعامل دانشگاه و صنعت بیان داشتند که پیوند دانشگاه و صنعت می‌تواند منابعی را برای آموزش عالی همراه با تولید سرمایه انسانی واقعی و آموزش با کیفیت ایجاد کند و این اقدامات تأثیرات گسترده‌ای بر نظام آموزش عالی خواهد داشت. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه، برخی از عوامل مؤثر بر ارتباط دانشگاه و صنعت شامل تعامل اعضای هیئت‌علمی دانشگاه با صنعت و برعکس، تلفیق دوره‌های مرتبط با صنعت در برنامه درسی دانشگاهی، دعوت از متخصصان صنایع در تدوین برنامه درسی، برگزاری جلسات منظم دانشگاه و صنعت، ادغام آموزش صنعتی و کارآموزی برای دانشجویان و سازماندهی فعالیت‌های مهارت محور کارآفرینی در دانشگاه‌ها با ایجاد مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری می‌باشند. سینگ (Singh, 2019) در بررسی چالش‌های توسعه ارتباط دانشگاه و صنعت دریافت که اعتماد، حکمرانی مشترک و عملکرد نوآورانه عوامل مهمی هستند که بر همکاری دانشگاه و صنعت تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر نیز دانشگاه در توسعه روابط خود با صنایع با چالش‌های متعددی مواجه است. شکاف فناوریانه و کمبود منابع مالی از بازدارنده‌های توسعه تعامل دانشگاه و صنعت می‌شود. این امر سبب می‌شود فرصت‌های شغلی محدودی در بازار کار برای دانش‌آموختگان فراهم آید.

آنکراه و ال-تابا (Ankrah & Al-Tabbaa, 2015) در بررسی تعامل و همکاری دانشگاه و صنعت، برخی از مهم‌ترین مزایای این تعامل را کارایی، دستیابی به ثبات، جذب منابع و کسب مشروعیت برشمردند. برونیل و همکاران (Bruneel et al., 2010) مهم‌ترین چالش‌های همکاری دانشگاه و صنعت را جهت‌گیری پژوهش‌های دانشگاهی به سمت علم محض، عدم درک مشترک دانشگاه و صنعت درباره شیوه‌های همکاری، بلندمدت بودن پژوهش‌های دانشگاه نسبت به پژوهش‌های صنعت و وجود دفتر ارتباط با صنعت ضعیف و ناکارآمد می‌دانند. جوکار (۱۴۰۲) در پژوهشی به آسیب‌شناسی فرصت مطالعاتی ارتباط با جامعه در رشته‌های علوم انسانی پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد مواردی مانند ابهامات آیین‌نامه داخلی دانشگاه‌ها، ناشناخته بودن این دوره، عدم استقبال واحدهای عملیاتی از متقاضیان و پیوند میان تبدیل وضعیت و ارتقای اعضای هیئت‌علمی با فرصت مطالعاتی از جمله آسیب‌های ذاتی این دوره است. همچنین، نوپدید بودن مفهوم اندیشکده، تفاوت کارکردهای آن با نهاد علم، ابهامات موجود در زمینه ثبات اندیشکده‌ها و وابستگی‌های سیاسی آن‌ها و نیز تفاوت گفتمانی میان اساتید دانشگاه و محیط اندیشکده‌ها از مهم‌ترین دلایل عدم اقبال اساتید به ارتباط با اندیشکده‌ها می‌باشد. نظرزاده زارع و همکاران (۱۴۰۰) در ارزیابی سیاست وزارت علوم در ایجاد فرصت مطالعاتی اجباری ارتباط با صنعت، بیان داشتند که سیاست ارتباط با صنعت گرفتار مسائلی چون مشروع نبودن، اجباری بودن، همخوان بودن با منافع سیاست‌گذاران، نادیده گرفتن تفاوت‌های رشته‌ای و نادیده گرفتن شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد. همچنین، این مسائل نشان می‌دهد که این سیاست بر پایه سیاست‌های اتخاذ شده در نهادهای الیگارشی است. مقدس‌نوده (۱۳۹۸) در بررسی چالش‌های همکاری دانشگاه-صنعت بیان می‌کند که چالش ریشه‌ای و کلیدی در همکاری صنعت و دانشگاه وجود فرایندهای دیوان‌سالارانه است که به بروز چالش‌های دیگری مانند کاهش انگیزه پژوهشگران به همکاری منجر می‌شود.

اولین سال برگزاری دوره فرصت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت بر اساس آیین‌نامه جدید سال ۱۳۹۸ بود. تعداد ۱۱۴ نفر از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در این سال، دوره فرصت مطالعاتی را گذراندند (کریم-نژاد، ۱۴۰۰). در سال‌های بعد، تعداد متقاضیان مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت رشد داشته است؛ به‌گونه‌ای که بر اساس آمار در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب ۲۶۰ و ۶۹۰ مورد فرصت‌مطالعاتی در جامعه و صنعت انجام شده است (دفتر ارتباط با جامعه و صنعت، ۱۴۰۱). فرصت مطالعاتی از جمله سازوکارهایی است که در راستای توسعه حرفه‌ای اعضای هیئت‌علمی و ارتقای ظرفیت دانشگاهی نقش مهمی دارد (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷). بنابراین، برای گام برداشتن موفقیت‌آمیز برای ارتقای ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت، ضروری است تا موفقیت اقدامات و مسیرهای گوناگون این ارتباط مورد واکاوی قرار بگیرد. بنابراین، از آنجا که مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت یک از راهکارهای برقراری ارتباط نظام‌مند دانشگاه با جامعه و صنعت است؛ پس از گذشت حدود چهار سال از انجام این طرح، زمان مناسبی است تا تجارب زیسته اعضای هیئت‌علمی کشاورزی که از این فرصت استفاده کرده‌اند مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان ضمن

تحلیل تجارب زیسته اعضای هیات علمی کشاورزی از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت

شناسایی اثرات و دستاوردهای مأموریت مطالعاتی، چالش‌ها را نیز شناسایی نمود. بررسی مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی که به موضوع مهم مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت علمی کشاورزی در جامعه و صنعت بپردازد صورت نگرفته است و این امر، نشان‌دهنده ضرورت انجام چنین پژوهشی می‌باشد. بر همین اساس، هدف مطالعه حاضر مطالعه تجارب زیسته اعضای هیئت علمی کشاورزی از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت است.

روش پژوهش

این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام شده است. هدف پژوهش پدیدارشناسی، توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها است، به گونه‌ای که در موقعیت خاص توسط افراد ادراک می‌شوند (بودلایی، ۱۳۹۸ به نقل از Vanderstoep & Scott, ۲۰۰۹) (این روش مطالعه تلاش می‌کند توضیحی مستقیم از پدیده و تجربیات افراد، همان‌گونه که هستند و در محیط و بافتی که در آن روی می‌دهد، فراهم آورد (Shin et al., 2003). استفاده از این روش، توصیف‌کننده‌ترین و غنی‌ترین اطلاعات را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. بدین ترتیب برای دستیابی به هدف‌های پژوهش، با افرادی که تجربه زیسته مرتبط با موضوع پژوهش را داشتند؛ مصاحبه انجام شد. در پژوهش‌های به روش کیفی مصاحبه‌ها و جمع‌آوری داده تا رسیدن به نقطه اشباع ادامه می‌یابد. بر همین اساس و از آنجا که در پدیدارشناسی تعداد مشارکت‌کنندگان بین ۸ تا ۲۵ نفر برآورد می‌شود (مراذنادی ۱۴۰۲ به نقل از Cresswell, ۲۰۱۲)؛ در این پژوهش با ۱۳ عضو هیئت علمی مصاحبه عمیق انجام گرفت تا اشباع نظری حاصل شد. جامعه آماری اعضای هیئت علمی دانشکده‌های کشاورزی کشور بودند. اعضای نمونه از دانشگاه‌های رازی کرمانشاه، بیرجند، علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، شهید باهنر کرمان و بوعلی سینا همدان برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان، استادیاران گرایش‌های مختلف مهندسی کشاورزی می‌باشند. ۸ نفر از اعضای هیئت علمی مرد و ۵ نفر نیز زن می‌باشند. ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی عضو پیمانی و ۳ نفر عضو رسمی آزمایشی می‌باشند. شناسایی و انتخاب مشارکت‌کنندگان از طریق روش‌های نمونه‌گیری در دسترس و به روش گلوله برفی انجام شد. تمام مصاحبه‌ها با هماهنگی مشارکت‌کنندگان و از طریق گفتگوی تلفنی پژوهشگر صورت گرفت. قبل از انجام مصاحبه پروتکل تدوین شده در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و به ایشان اطمینان داده شد که گفتگوی صورت گرفته و مصاحبه‌ها کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند و گفتگوها تنها برای هدف پژوهش و بدون هرگونه ذکر اطلاعات فردی و اسامی مشارکت‌کنندگان تحلیل خواهد شد. در مراحل مختلف پژوهش اعم از انجام مصاحبه، گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها تلاش شد تا به صورت دقیق و بدون هرگونه سوگیری و اعمال نظر پژوهشگر انجام شود تا نتایج عینی، روا و تأییدپذیر به دست آید. بدین ترتیب، ابتدا مصاحبه‌ها پیاده‌سازی گردید و تحلیل محتوا با استفاده از روش کدگذاری و با استفاده از روش کلایزی (Colaizzi's method) و در ۷ مرحله شامل مطالعه توصیف‌های ارائه شده توسط مشارکت‌کنندگان، استخراج عباراتی که مستقیماً به پدیده مورد مطالعه مرتبط است، فرموله کردن معانی، دسته‌بندی معانی فرموله شده در موضوعات اصلی، تلفیق نتایج در قالب توصیف جامع از پدیده مورد مطالعه و اعتباربخشی نهایی یافته‌ها انجام شد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) استفاده شد. همچنین، به منظور بررسی دقت و اعتبار داده‌ها از معیارهای قابلیت اعتبار، قابلیت اطمینان و قابلیت تأیید استفاده گردید. بدین منظور، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان، بازبینی توسط همکار، تهیه شواهد کافی در مورد موضوع و مقایسه یافته‌ها با پیشینه پژوهش از جمله اقداماتی است که در این خصوص انجام گرفت. بر همین اساس، متن پیاده شده مصاحبه مشارکت‌کنندگان برای آن‌ها ارسال گردید تا گفته‌های خود را مورد تأیید قرار دهند. پس از کدگذاری نیز، تأیید توسط یکی از همکاران مسلط به روش پدیدارشناسی صورت گرفت. علاوه بر این، در تبیین یافته‌ها، نتایج با یافته‌های مطالعات پیشین مقایسه و به بحث‌های نظری استناد گردید.

یافته‌ها و بحث

دستاوردهای قابل انتظار از مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت علمی در جامعه و صنعت

نتایج حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته نشان می‌دهد، دستاوردهای قابل انتظار از مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت علمی در جامعه و صنعت بر اساس استخراج ۱۹ کد و در قالب چهار مقوله (الف) ارتقای علمی، آموزشی و پژوهشی؛ (ب) اعتمادسازی و

گسترش همکاری آتی؛ (ج) ارتباطات، حمایت و شبکه‌سازی و (د) فردی-حرفه‌ای قابل دسته‌بندی است. در ادامه، هریک از مقوله‌ها به همراه اظهارات برخی مشارکت‌کنندگان ارائه گردیده است.

الف: ارتقای علمی، آموزشی و پژوهشی: این مقوله با دارا بودن ۷ کد، بیانگر مزایا و دستاوردهایی است که ارتباط دانشگاه و صنعت در قالب مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در بهبود عملکرد آموزشی و پژوهشی دانشگاهیان دارد. برخی اظهارات مشارکت‌کنندگان که در این دسته جای گرفتند به صورت زیر می‌باشد: "این دوره عاملی شد که با یکی از متخصصان متبحر در حوزه کشاورزی که کارآفرینی هم انجام داده بود و در این زمینه تجربه داشت آشنا شدم و از او دعوت کردم تا در یک جلسه تدریس همراه من باشد و تجربیاتش را به دانشجویان منتقل نماید" (م. ۳). "بعضی از اعضای هیئت‌علمی فقط چند واحد درسی را تدریس می‌کنند و مقالات و انتشاراتشان حاصل کار پایان‌نامه دانشجوی است و این یک آفت است. لذا، برای هیئت‌علمی جوان و پرتوان که چند سال از ورودش به محیط کار دانشگاه نمی‌گذرد، این فرصت مطالعاتی انگیزه‌ای است تا فعالیت‌هایش را با نیاز بخش کشاورزی هدفمند پیش ببرد" (م. ۹)

ب: اعتمادسازی و گسترش همکاری آتی: یکی از مزایای بهره‌مندی از فرصت مطالعاتی در جامعه و صنعت بحث گسترش همکاری‌های آتی است. یکی از مهم‌ترین حلقه‌های مفقوده بین دانشگاه و صنعت عدم اعتماد بین این دو بخش است و اعتمادسازی به‌عنوان عامل مهمی در ارتقا و گسترش همکاری‌های بیشتر بین این دو بخش می‌باشد. این مقوله تعداد ۵ کد را شامل می‌شود. مشارکت‌کنندگان نیز اعتمادسازی را از جمله دستاوردهای چنین فرصتی برشمردند. برخی از نظرات مشارکت‌کنندگان به صورت زیر می‌باشد: "یکی از دغدغه‌های عدم ارتباط دانشگاه و صنعت بی‌اعتمادی شکل گرفته صنعت به دانشگاه است. صنعت، دانشگاهیان را دارای تجربه کافی نمی‌داند. این فرصتی که ایجاد شده اگر به درستی شکل بگیرد می‌تواند سبب اعتمادبخش صنعت به دانشگاه شود. مجدد تکرار می‌کنم، اگر درست شکل بگیرد و اجرا شود" (م. ۷). از نظر مشارکت‌کننده دیگر: "وقتی اعتماد شکل گرفت، صنعت می‌تواند پروژه‌های بیشتری را با هیئت‌علمی تعریف کند و مطالعات پشتیبان و حل مسائل خود را به هیئت‌علمی واگذار نماید" (م. ۱۰).

ج: ارتباطات، حمایت و شبکه‌سازی: این مقوله با دارا بودن ۴ کد، مفاهیم و کدهایی را شامل می‌شود که مزایای مأموریت مطالعاتی را در قالب گسترش ارتباطات و شبکه‌سازی نمایان می‌سازد. برخی از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان که در این دسته قرار گرفتند به این صورت می‌باشد: "برخی شرکت‌ها منابع مالی خوبی دارند و می‌توانند برای نیازهای پژوهشی خود و پاسخگویی به نیازها حمایت مالی خوبی از دانشگاهیان داشته باشند. در صورتی که بتوان بر اساس نیازهای اعلام شده سامانه‌هایی مثل سامانه ساعت با شرکت مکاتبه کرد می‌توان از حمایت مالی نیز بهره‌مند شد" (م. ۱). "فرصت مطالعاتی در صنعت باعث ایجاد پکیجی از نقاط قوت دانشگاهیان و بخش صنعت می‌شود و ارتباط هیئت‌علمی با مجریان را بیشتر می‌کند و این هم‌افزایی خود را در تشکیل گروه‌های چند رشته‌ای و متخصص نشان می‌دهد" (م. ۶).

د: فردی-حرفه‌ای: در این مقوله که تعداد ۳ کد را شامل می‌شود، مزایای فردی و حرفه‌ای مأموریت مطالعاتی برای عضو هیئت‌علمی بیان گردیده است. مطابق با متن مصاحبه‌ها، به عقیده یکی از مشارکت‌کنندگان، "دوره فرصت مطالعاتی کمک می‌کند هیئت‌علمی خود را ارزیابی کرده و محک بزند تا بداند نیازمندی‌های بخش کشاورزی چیست و بر این اساس مطالعات و پژوهش‌های خود را برنامه‌ریزی کند. بر اساس شیوه‌نامه منطقاً افرادی به این فرصت می‌روند که سال‌های کمی از اشتغالشان گذشته است" (م. ۵). از نظر مشارکت‌کننده دیگر، "هیئت‌علمی که در زمان دانشجویی خود با دروس نظری مواجه بوده و شاید چندان ارتباطی با شرکت‌های بخش کشاورزی نداشته است و از فرصت‌ها و تهدیدها اطلاعی ندارد؛ این دوره مأموریت مطالعاتی اگر حتی بالاآباز برای گرفتن یک امتیاز در پرونده باشد؛ موضوع ارزشمندی است که فرد را وادار می‌کند از نزدیک با رشته تخصصی خود وارد محیط کار شود" (م. ۱۱).

مقوله‌های استخراج شده دستاوردهای مورد انتظار مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت به شرح جدول ۱ می‌باشد.

تحلیل تجارب زیسته اعضای هیات علمی کشاورزی از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مقوله فرعی	
جدول ۱- مقوله‌های استخراج شده دستاوردهای مورد انتظار مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت			
ارتقای علمی، آموزشی و پژوهشی	تعداد کدهای کلیدی = ۷ فراوانی کد = ۲۵، درصد = ۳۵/۲	بهره‌مندی از متخصصین صنعت به‌عنوان استاد مدعو در تدریس جلسه‌ای از کلاس	
		کسب ایده و بهره‌مندی از دانش و تجارب کسب‌شده فرصت در تدریس	
		انتقال تجربه همکاری با صنعت به دانشجویان	
		به‌روزرسانی دانش و تجارب در مسائل دارای اولویت جامعه و صنعت	
		تشکیل گروه‌های پژوهشی و اجرایی مشترک از متخصصان دانشگاه و صنعت	
		تدوین و انتشار مقاله مشترک با همکاری دانشگاه و صنعت	
		کسب ایده جدید و تعریف پروژه و پایان‌نامه بر اساس مسائل و نیازهای صنعت	
		آشنا شدن صنعت از توانمندی‌های علمی و پژوهشی دانشگاهیان	
		اعتمادبخش صنعت به دانشگاه	
		همکاری با سازمان میزبان در قالب علمی و مشاوره‌ای پس از اتمام مأموریت مطالعاتی	
اعتمادسازی و گسترش همکاری آتی	تعداد کدهای کلیدی = ۵ فراوانی کد = ۲۱، درصد = ۲۹/۶	زمینه‌سازی برای معرفی دانشجویان در جهت اشتغال یا گذراندن دوره کارورزی	
		تدارک برنامه بازدید علمی یک روز برای دانشجویان	
		تشکیل گروه‌های تخصصی چندرشته‌ای برای حل مسائل مبتلابه دانشگاه و بخش کشاورزی	
		شناسایی و آشنایی دانشگاه از مسائل و نیازهای شرکت‌ها و سازمان‌های اجرایی بخش کشاورزی	
ارتباطات، حمایت و شبکه‌سازی	تعداد کدهای کلیدی = ۴ فراوانی کد = ۱۶، درصد = ۲۲/۵	برخورداری از کمک‌های مالی پژوهش بخش کشاورزی برای انجام پروژه‌های پژوهشی	
		معرفی استاد به بخش کشاورزی به‌عنوان متخصص صاحب‌نظر در حوزه موضوعی مرتبط	
		کسب تجربه دست‌اول از حضور در سازمان علمی مرتبط با حوزه شغلی	
		تقویت ارتباطات علمی و حرفه‌ای عضو هیئت‌علمی خودارزیابی و شناسایی نقاط قوت و ضعف حرفه‌ای در نتیجه ارتباط با بخش کشاورزی	
فردی - حرفه‌ای	تعداد کدهای کلیدی = ۳ فراوانی کد = ۹، درصد = ۱۲/۷	کسب تجربه دست‌اول از حضور در سازمان علمی مرتبط با حوزه شغلی	
		تقویت ارتباطات علمی و حرفه‌ای عضو هیئت‌علمی خودارزیابی و شناسایی نقاط قوت و ضعف حرفه‌ای در نتیجه ارتباط با بخش کشاورزی	
جمع		۴ مقوله فرعی	
تعداد کدهای کلیدی = ۱۹			

دستاوردهای قابل انتظار از مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت

در مجموع، یافته‌های مربوط به دستاوردهای قابل انتظار از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت، یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین در خصوص ارتقای علمی و آموزشی (Priya et al., 2021)، اعتمادسازی و گسترش همکاری‌های آتی (Ankrah & Al-Tabbaa, 2015; Singh, 2019; Priya et al., 2021) همسو می‌باشد.

چالش‌های مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت

موضوع دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، چالش‌های مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت می‌باشد. برحسب نتایج حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته، چالش‌ها بر اساس استخراج ۲۶ کد و در قالب پنج ۵ مقوله (الف)

شفافیت و اطلاع‌رسانی، (ب) فرایند اداری، (ج) ضوابط و دستورالعمل‌ها، (د) خدماتی حمایتی، (ه) همسویی با دغدغه هیئت‌علمی قابل‌دسته‌بندی است. در ادامه، هریک از مقوله‌ها به همراه اظهارات برخی مشارکت‌کنندگان ارائه گردیده است.

الف: شفافیت و اطلاع‌رسانی: از آنجا که طرح مأموریت مطالعاتی در صنعت و جامعه طرحی جدید است، لازم است اطلاع‌رسانی کافی و شفاف و مناسبی از آن صورت پذیرد. این مقوله تعداد ۵ کد را شامل می‌شود. در مصاحبه‌های صورت گرفته، یکی از چالش‌های این طرح را عدم شفافیت و عدم آگاهی کافی مدیران و کارشناسان دانشگاه و اعضای هیئت‌علمی از فرایندها و چگونگی مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت بیان نمودند. از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: "هدف از اجرای این دوره به‌واقع چه بوده است؟ فرد از صنایع یاد بگیرد یا مسائل صنایع حل شود؟ در سه ماه فرصت مطالعاتی که یک فرد می‌گذراند، چه کار کیفی و اثربخشی می‌توان انجام داد؟" (م. ۳). مشارکت‌کننده دیگری بیان می‌کند: "این فرصت از هدف اصلی خود دور شده است و در نتیجه فرد با ارتباطی که با یک شرکت دانش‌بنیان کشاورزی داشته باشد می‌تواند بدون گذراندن دوره، فرم و تأییدیه بگیرد. باید تصمیم‌گیری‌های اصولی و ریشه‌ای صورت گیرد تا این اتفاقات نیافتد" (م. ۱۲). مشارکت‌کننده (۵) نقدی بر شیوه‌نامه طرح مطرح کرد، با این مضمون: "عنوان این طرح، مأموریت در جامعه و صنعت است؛ اما هیچ راهنمایی برای گذراندن فرصت مطالعاتی در جامعه ذکر نشده است و مشخص نیست که منظور از جامعه چه بوده است. بنده به‌عنوان یک هیئت‌علمی قصد دارم مدتی را در محیط روستا و در بین کشاورزان زندگی کنم. آیا می‌توانم از قابلیت این طرح استفاده کنم؟ کدام نهاد باید تأیید کند که بنده این فرصت را گذرانده‌ام؟ و یا مسئولان به دنبال گزارش و خروجی هستند و این‌چنین دوره-ای را مسافرت و گردش در نظر می‌گیرند" (م. ۵).

عدم آشنایی کافی اعضای دانشگاه با این طرح نیز یکی دیگر از چالش‌های مطرح شده توسط برخی مشارکت‌کنندگان می‌باشد؛ به‌عنوان مثال یکی از شرکت‌کنندگان در این مورد بیان می‌کند: "کارشناس دانشگاه و بخش ارتباط با صنعت دانشگاه هم اطلاعات کافی در مورد چند و چون این طرح ندارند و هیئت‌علمی گاهی مجبور می‌شود از طریق دوستانش در دیگر دانشگاه‌ها اطلاعات به‌دست بیاورد تا مسیر و فرایند اداری و اجرایی را طی کند؛ البته شاید چون این طرح جدید است و معرفی کافی از آن نشده است" (م. ۴).

ب: فرایند اداری: بروکراسی و فرایندهای اداری شروع و اجرا و خاتمه بهره‌مندی از مأموریت مطالعاتی در صنعت و جامعه نیز به‌عنوان یکی دیگر از چالش‌های این طرح مطرح شد. این مقوله تعداد ۴ کد را شامل می‌شود. از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: "هیئت‌علمی پیمانی باید دو نوبت فرصت مطالعاتی را بگذرانند و اگر بخواهد به‌صورت پاره‌وقت هم برود؛ زمان بیشتری را باید صرف کند. در نتیجه هم از نظر ساعت موظف تدریس و هم فعالیت‌های اجرایی با مشکل مواجه می‌شود" (م. ۸). مشارکت‌کننده دیگر چالش این طرح را بدین‌صورت مطرح می‌نماید: "هیئت‌علمی باید زمان قابل توجهی را صرف کند و در جستجوی سازمانی باشد که با این طرح آشنا باشد و به‌صورت اثربخش کار پیش برود. الان بیشتر با فرمالیته بودن اجرای طرح مواجه هستیم" (م. ۳). همچنین، از نظر یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان: "وقتی انگیزه فرد از ارتباط با صنعت، برای تبدیل وضعیت باشد؛ نباید انتظار کیفی بودن دوره و خروجی اثربخش را داشته باشیم" (م. ۴).

ج: ضوابط و دستورالعمل‌ها: این مقوله تعداد ۸ کد را شامل می‌شود. اجباری بودن طرح یکی از چالش‌هایی است که بارها در مصاحبه‌ها مطرح گردید. برخی از اظهارات مشارکت‌کنندگان در این خصوص به‌صورت زیر می‌باشد. "کلیات طرح خوب است، اما هر آنچه اجبار باشد اثر معکوس می‌گذارد. فرصت مطالعاتی اجباری اثرگذار نخواهد بود" (م. ۶). "این‌گونه ایده‌های سنگ‌انداز معمولاً توسط افرادی پیشنهاد و تصمیم‌گیری می‌شود که خودشان ذینفع نیستند و برای هیئت‌علمی‌های جدید و تبدیل وضعیتشان مانع جدیدی ایجاد می‌شود" (م. ۲). "آیا اجبار باعث می‌شود هیئت‌علمی به دنبال حل مسائل جامعه و صنعت برود؟ به نظر بنده اگر امتیاز و پایه تشویقی برای این موضوع در نظر گرفته می‌شد اثربخشی طرح به‌مراتب بیشتر می‌شد." (م. ۱۱). از نظر مشارکت‌کننده دیگر: "چرا باید همین موضوعی اجباری باشد و تبدیل وضعیت به آن منوط بشود. خود فرایند تبدیل وضعیت به اندازه کافی طولانی و طاقت‌فرسا است و به دانشیاری منوط شده است. حالا مانع دیگری هم ایجاد کرده‌اند که به هر صورت شده باید ارتباط با صنعت و بخش کشاورزی داشت" (م. ۱). مشارکت‌کننده دیگری با طرح یک سؤال موضوع را نقد کردند: "اگر موضوع ارتباط با صنعت و حل مسائل جامعه و صنعت مهم است چرا این موضوع فقط باید الزام برای تبدیل وضعیت باشد و چرا دانشیاران و استادان ملزم به گذراندن فرصت مطالعاتی در صنعت کشاورزی نباشند؟" (م. ۳).

تحلیل تجارب زیسته اعضای هیات علمی کشاورزی از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت

مساله نگاه یکسان و عدم توجه به تبصره جایگزین (مطابق با تبصره ۳ ماده ۴ شیوهنامه: "در موارد بسیار خاص با تشخیص هیئت‌رئیس در خصوص این‌که عضو هیئت‌علمی از تجربه کافی در صنعت یا جامعه برخوردار است یا در رشته‌هایی که امکان فرصت مطالعاتی فراهم نباشد موسسه شرایط جایگزین تعیین و اجرا می‌کند"). نیز دیگر مواردی بود که از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش مطرح شد. "همان‌طور که آیین‌نامه ارتقا بدون نگاه رشته‌ای و به‌صورت یکسان برای همه رشته‌ها نگارش شده است، شیوهنامه فرصت مطالعاتی هم این نقص را دارد و تفاوت رشته‌ای را در نظر نگرفته است" (م. ۱۳). همچنین، از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: "در شیوهنامه فرصت مطالعاتی تبصره جایگزین فرصت ذکر شده است؛ اما دانشگاه توجهی به این موضوع ندارد و برایش راحت‌تر و بهتر است که همه افراد مشمول را مجبور به گذراندن فرصت نماید؛ و احتمالاً این تبصره را برای افراد خاص و مدنظر خود اجرا کند و نه همگان" (م. ۲).

د: خدماتی حمایتی: برنامه‌ها و طرح‌هایی که از حمایت و پشتیبانی مناسب برخوردار باشند، در اجرا موفق‌تر خواهند بود. به‌ویژه چنانچه طرح جدید باشد و سال‌های اولیه اجرای آن باشد، اهمیت خدمات حمایتی و پشتیبانی بیشتر خواهد شد. این مقوله تعداد ۵ کد را شامل می‌شود. مصاحبه‌های صورت گرفته بیانگر چالش‌هایی در حوزه خدمات حمایتی می‌باشد. از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: "نباید از هیئت‌علمی انتظار داشت که یک پروژه پژوهشی نیازمحور بخش کشاورزی را بدون هرگونه حمایت مالی آن سازمان و با ذکر دلیل این‌که در قالب فرصت مطالعاتی است و در ازای حقوق، انجام دهند. رشته کشاورزی ویژگی و مقتضیات خود را دارد و قابل قیاس با برخی دیگر از رشته‌ها که نظری است؛ نمی‌باشد" (م. ۷). مشارکت‌کننده دیگر موضوع را چنین مطرح نمود: "برای تسهیلات و خدمات و پرداخت حق‌الزحمه انجام پژوهش‌ها شفافیتی وجود ندارد و سازمان میزبان اطلاعاتی در خصوص امکاناتی که در طی چندماه در اختیار فرد می‌گذارد، ارائه نمی‌دهد" (م. ۹).

اختصاص ساده‌ترین امکانات مانند فراهم نمودن دفتر کار مستقل برای عضو هیئت‌علمی که چند ماه در سازمان میزبان حضور خواهد داشت، از دیگر چالش‌هایی بود که توسط برخی مشارکت‌کنندگان مطرح شد. از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: "من به عنوان یک عضو هیئت‌علمی دارای دانش کافی در رشته خود انتظار دارم سازمان میزبان حداقل امکاناتی را برای فعالیت اینجانب در طی چند ماه حضورم در آن سازمان فراهم کند. وقتی حتی یک دفترکار مشخص برای بنده اختصاص داده نمی‌شود، چگونه امکان حضور در آن سازمان را داشته باشم و علاقه‌مند به حل نیازهای پژوهشی و اجرایی‌شان مرتبط با تخصصم باشم" (م. ۲). مشارکت‌کننده دیگر چنین بیان داشت: "بسیاری سازمان‌ها هم‌اکنون هیئت‌علمی و پژوهشگر با تجربه و ماهر دارند و خودشان پژوهش و مسائل تحقیق و توسعه را انجام می‌دهند. در نتیجه استقبالی از هیئت‌علمی که بعضاً به خاطر پروژه درخواست حمایت مالی دارند، نمی‌شود؛ حتی در صورت موافقت با پذیرش فرد از حضور فرد در سازمان و اختصاص امکانات و فضای کار به او و ارائه اطلاعات و داده‌های (بعضاً محرمانه) استقبال نمی‌کنند" (م. ۱۰).

ه: همسویی با دغدغه هیئت‌علمی: این مقوله تعداد ۴ کد را شامل می‌شود و اهمیت طرح مأموریت مطالعاتی در صنعت و جامعه را همسو با انگیزه، نیاز و دغدغه هیئت‌علمی مطرح می‌کند. "فرصت مطالعاتی یک الزام است اما امتیاز پژوهشی خاصی برایش در نظر گرفته نمی‌شود. باید برای افراد انگیزه کافی برای ارتباط مؤثر و واقعی ارتباط با صنعت و جامعه در نظر گرفته شود" (م. ۸). موضوع صوری بودن برخی از مأموریت‌های گذرانده شده توسط چند تن از مشارکت‌کنندگان نیز مطرح گردید. از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: "برخی از نامه‌های تأییدیه طرح‌ها صوری و از روی ارتباطی که فرد با سازمان میزبان دارد، گرفته می‌شود. هیئت‌علمی هم چند ماه به اسم مأموریت استراحت می‌کند. هیچ کنترل و نظارتی هم بر این موضوع وجود ندارد و کسی هم در نهایت متوجه نمی‌شود" (م. ۲). از نظر یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان: "وقتی برخی صنعت و برخی نهادها دانش و تجربیات دانشگاهیان را در حد نظری و نه کاربردی می‌دانند، استقبالی هم از این موضوع نمی‌شود. چون هیئت‌علمی تازه‌کار نمی‌تواند چندان کمکی به صنعت نماید؛ بلکه بیشتر هدفش گذراندن چند ماه در آن بخش برای از میان برداشتن شرط تبدیل وضعیت است" (م. ۶). همچنین، مشارکت‌کننده دیگر چالش را بدین‌صورت مطرح می‌کند: "فکر نمی‌کنم هیئت‌علمی جوان که چند سال اندک از عمر کاری‌اش گذشته، آن‌قدر تجربه داشته باشد که بتواند مسائل صنعت را حل کند و ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت را تقویت کند. اگر این دوره به درستی پیش نرود بی‌تجربگی فرد سبب عدم اعتماد صنعت به دانشگاه می‌شود" (م. ۵).

مقوله‌های استخراج شده چالش‌های مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- مقوله‌های استخراج شده چالش‌های مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت

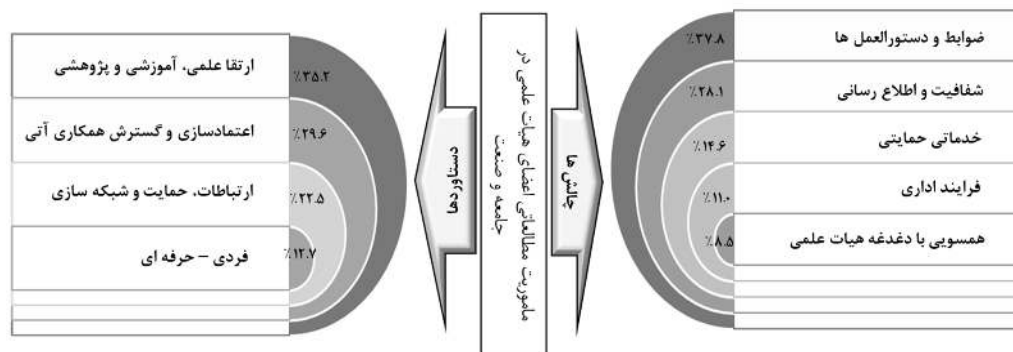
مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای کلیدی
شفافیت و اطلاع‌رسانی	تعداد کدهای کلیدی = ۵ فراوانی کد = ۲۳٪ درصد = ۲۸/۱	- جدید بودن موضوع و عدم آشنایی برخی سازمان‌ها با چرایی و چگونگی مأموریت مطالعاتی
		- ابهام در خروجی‌های مورد انتظار عضو هیئت‌علمی پس از گذراندن مأموریت مطالعاتی
		- مشخص نبودن نیازها و اولویت‌های سازمان میزبان
		- ابهام‌های موجود در شیوه‌نامه‌های داخلی دانشگاه
		- کمبود آگاهی هیئت‌علمی و کارشناسان دانشگاه از روند و فرایند اجرایی
فراپند اداری	تعداد کدهای کلیدی = ۴ فراوانی کد = ۹٪ درصد = ۱۱/۰	- زمان‌بر بودن جستجو و اخذ موافقت از سازمان مرتبط با حوزه علاقه‌مندی پژوهشی
		- بروکراسی اداری و رویه گذراندن مأموریت مطالعاتی
		- روند ارائه گزارش و خروجی از دوره مأموریت
		- الزام به گذراندن دو نوبت مأموریت مطالعاتی برای هیئت‌علمی پیمانی
ضوابط و دستورالعمل‌ها	تعداد کدهای کلیدی = ۸ فراوانی کد = ۳۱٪ درصد = ۳۷/۸	- الزام و پیوند تبدیل وضعیت عضو هیئت‌علمی به گذراندن فرصت مطالعاتی
		- عدم وجود ضوابط و الگوی شفاف برای پذیرش سازمان میزبان توسط دانشگاه
		- عدم شفافیت فعالیت جایگزین فرصت برای افراد دارای ارتباط کافی به بخش کشاورزی
		- عدم وجود سازوکاری برای حمایت مالی از پروژه‌های پژوهشی در سطوح مختلف
		- عدم انعطاف‌پذیری در شیوه‌نامه مأموریت مطالعاتی
		- عدم امکان تدریس همزمان با گذراندن دوره مأموریت مطالعاتی
		- الزام عدم دارا بودن پست اجرایی در زمان مأموریت مطالعاتی
خدمات حمایتی	تعداد کدهای کلیدی = ۵ فراوانی کد = ۱۲٪ درصد = ۱۴/۶	- عدم نگاه رشته‌ای در تدوین شیوه‌نامه
		- عدم حمایت مالی سازمان میزبان از پروژه‌های هزینه‌بر
		- مشخص نبودن تسهیلات ارائه شده به عضو هیئت‌علمی توسط سازمان میزبان
		- عدم تناسب وظایف محوله به عضو هیئت‌علمی با تسهیلات ارائه شده
		- عدم تخصیص دفتر کار توسط سازمان میزبان به عضو هیئت‌علمی
همسویی با دغدغه هیئت‌علمی	تعداد کدهای کلیدی = ۴ فراوانی کد = ۷٪ درصد = ۸/۵	- عدم حضور و قطع ارتباط هیئت‌علمی با دانشگاه در زمان گذراندن مأموریت
		- تفاوت داشتن دغدغه پژوهشی استاد و اولویت‌های پژوهشی سازمان میزبان
		- انگیزه‌بخش نبودن دوره مأموریت مطالعاتی
		- تشریفات و صوری بودن برخی از مأموریت‌های گذرانده شده
جمع	۵ مقوله فرعی	- عدم اعتماد کافی بخش کشاورزی به هیئت‌علمی و عدم تعریف پروژه مشخص
		- تفاوت داشتن دغدغه پژوهشی استاد و اولویت‌های پژوهشی سازمان میزبان
		تعداد کدهای کلیدی = ۲۶

چالش‌های مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت

تحلیل تجارب زیسته اعضای هیات علمی کشاورزی از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت

جهت‌گیری پژوهشی دانشگاه و صنعت (Bruneel et al., 2010)، منابع مالی (Singh, 2019)، عدم درک مشترک دانشگاه و صنعت (Bruneel et al., 2010; Fernandes et al., 2022)، کاهش انگیزه پژوهشگران (مقدس نوده، ۱۳۹۸) از جمله چالش‌هایی بودند که در مطالعات پیشین مطرح شد و با یافته‌های این پژوهش همسو می‌باشد. همچنین، یافته‌های این پژوهش با ارزیابی فرصت مطالعاتی ارتباط با جامعه در رشته‌های علوم انسانی (جوکار، ۱۴۰۲) و ارزیابی فرصت مطالعاتی اجباری ارتباط با صنعت (نظرزاده زارع و همکاران، ۱۴۰۰) در مواردی مانند ابهامات آیین‌نامه داخلی دانشگاه‌ها، عدم استقبال واحدهای عملیاتی از متقاضیان، اجباری بودن، پیوند میان تبدیل وضعیت و ارتقای اعضای هیئت‌علمی با فرصت مطالعاتی و نادیده گرفتن تفاوت‌های رشته‌ای همسو می‌باشد.

بر اساس درصد فراوانی مقوله‌های شناسایی شده در خصوص دستاوردها و چالش‌های مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت (نگاره ۱)، اولویت اول دستاوردهای قابل انتظار از مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت مربوط به ارتقای علمی، آموزشی و پژوهشی (۳۵/۲ درصد) است و در خصوص چالش‌ها، اولویت اول چالش‌های مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت مربوط به ضوابط و دستورالعمل‌ها (۳۷/۸ درصد) می‌باشد.



نگاره ۱- دستاوردها و چالش‌های مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

دستیابی به اهداف توسعه کشاورزی و روستایی مستلزم توجه همه‌جانبه و عمیق نهادهای مولد دانش و دانشگاهیان این حوزه به پرورش دانش‌آموختگان دانشی و ماهر و انجام مطالعات و پژوهش‌های عمیق مساله‌محور و همچنین، برقراری ارتباط تنگاتنگ با ذی‌نفعان و بازیگران این عرصه است. همان‌گونه که محمدی و اسدپوریان (۱۴۰۱) بیان نمودند، امروزه دانش به‌طور فزاینده‌ای به ابزاری مهم برای خلق ارزش تبدیل شده است و فعالیت‌های اقتصادی و اساس بهره‌وری و رشد بیشتر مبتنی بر دانش است و به دانش وابسته شده است. به‌واقع، در بخش کشاورزی، ارتباط تنگاتنگ و نظام‌مند دانشگاه و دیگر نهادهای این بخش عامل مؤثری است که ضمن شناسایی و رفع مسائل و نیازمندی‌ها، موجبات توسعه پایدار کشاورزی و روستایی را فراهم می‌سازد. در این راستا، مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در صنعت از جمله سازوکارهایی است که در سال‌های اخیر برای تعامل و ارتباط دانشگاه و صنعت مطرح و اجرایی گردیده است تا مسئله و دغدغه‌مندی نحوه تعامل دانشگاه و صنعت رفع گردد و رابطه نظام‌مندی بین این دو بخش شکل گیرد. بر همین اساس، این پژوهش با رویکرد پدیدارشناسی و تفسیرگرایانه در پی واکاوی تجربه زیسته اعضای هیئت‌علمی کشاورزی از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت بود. یافته‌های مطالعه حکایت از این دارد که طرح مأموریت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت به‌صورت بالقوه طرح ارزشمندی است که دستاوردهای قابل انتظاری در ابعاد ارتقای علمی آموزشی و پژوهشی، اعتمادسازی و گسترش همکاری‌های آتی، ارتباطات حمایت و شبکه‌سازی و فردی حرفه‌ای دارد. باین‌حال چالش‌ها و موانعی بر سر راه اجرای اثربخش این طرح گزارش

شده است که می‌توان در گروه‌های فرایند اداری، شفافیت و اطلاع‌رسانی، ضوابط و دستورالعمل‌ها، همسویی با دغدغه هیئت‌علمی و خدماتی حمایتی دسته‌بندی کرد.

بسیاری طرح‌ها و برنامه‌های آموزش عالی به‌طور اعم و آموزش عالی کشاورزی به‌طور خاص، همچون طرح مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت، به‌صورت متمرکز و در نبود مشارکت قوی ذی‌نفعان به هنگام تصمیم‌گیری تدوین، تصویب و ابلاغ می‌شود و در نتیجه، وجهه دیوان‌سالاری آن بیشتر غالب است. براین اساس، اگر ارزیابی و بازبینی‌های به‌موقع و عمیقی از چنین طرح و برنامه‌ها صورت نگیرد، بیم آن می‌رود که اجرای آن به‌صورت ناقص و ناکارآمد ادامه یافته و یا بدون در نظر گرفتن ابعاد و پیامدهای مثبت، پس از گذشت چند سال به بوته فراموشی سپرده شود و اجرای آن ناتمام خاتمه یابد. بنابراین، لازم است این‌گونه طرح‌ها به‌صورت دقیق رصد گردند و با دید واقع‌گرایانه نقاط قوت و ضعف آن‌ها تحلیل گردد تا بتوان به نتایج مطلوب مدنظر دست یافت و نه آنکه راه‌های مبان‌بر و صوری برای اخذ تأییدیه و از میان برداشتن سد تبدیل وضعیت جستجو شود. برای این امر لازم است به‌صورت شفاف به این سؤال پاسخ داده شود که به‌واقع هدف از اجرای طرح چه بوده است؛ آیا همیاری و همکاری نهادهای تولید علم با بخش صنعت و دیگر نهادها و رفع نیازهای جامعه و صنعت و یا مهارت‌افزایی و بالندگی اساتید. اگر پاسخ به این سؤال به خوبی روشن نباشد چه‌بسا در نتیجه اجرای نامناسب طرح، بی‌اعتمادی صنعت به دانشگاهیان بیشتر شود و پیامدهای منفی طرح را شاهد باشیم. به سخن دیگر، این چنین طرح‌هایی مانند تیغ دو لبه عمل می‌کند، از یک- طرف از آنجا که هیئت‌علمی جوان، تازه‌کار و کم تجربه است ممکن است بی‌اعتمادی بخش صنعت و کشاورزی را بیشتر نموده و پیامد منفی به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، از آنجا که اجرای مناسب این‌گونه طرح‌ها می‌تواند مسیر کاری هیئت‌علمی را راهنمایی و جهت‌دهی کند، پیامد مثبتی برای دانشگاه به همراه خواهد آورد. بر همین اساس، برای اثربخشی هرچه بیشتر طرح مأموریت مطالعاتی در صنعت و جامعه پیشنهاد می‌شود نیازهای بخش کشاورزی در سامانه‌ای به‌صورت متمرکز ارائه شود و عضو هیئت‌علمی به‌جای صرف زمان و جستجوی سازمانی برای گذراندن مأموریت مطالعاتی، به‌صورت هدفمند و از لیست ارائه شده سامانه موضوع مرتبط با حوزه کاری خویش را بیابد و بتواند با سازمان و شرکت مربوطه مکاتبه نماید. هرچند که هم‌اکنون نیازهای برخی مراکز در یک فایل توسط وزارت علوم اعلام می‌شود، اما این امر کافی نبوده و نیازمند جمع‌نیازمندی‌ها در سامانه‌ای قابل دسترس برای همه اعضای هیئت‌علمی است. همچنین، با توجه به تعدد سامانه‌های مرتبط مانند سامانه ساتع و نان، پیشنهاد می‌شود اعلام نیاز فرصت‌های مطالعاتی در لینکی در همان سامانه‌ها جایابی شود. پیشنهاد می‌شود شیوه‌نامه‌های داخلی دانشگاه در این خصوص و اطلاعات موردنیاز بر روی وب‌سایت دانشکده و دانشگاه ارائه گردد. همچنین، دفاتر ارتباط با صنعت دانشگاه در این زمینه فعال‌تر شده و راهنمایی و اطلاع‌رسانی‌های بیشتر و مفیدتری به اعضای هیئت‌علمی علاقه‌مند ارائه دهند. برگزاری کارگاه‌های آشنایی با مأموریت مطالعاتی در صنعت و جامعه از مواردی است که در آگاهی بخشی به افراد مثرتر خواهد بود.

چنانچه یکی از دستاوردهای فرصت مطالعاتی در جامعه و صنعت را همان‌گونه که در مصاحبه‌ها مطرح شد، هدایت پایان‌نامه دانشجویان برای حل مشکلات صنعت بدانیم؛ لازم است تمهیدات این امر اندیشیده شود و حمایت مالی و معنوی کافی از پایان‌نامه انجام گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود طرح‌های کلان به‌گونه‌ای مناسب به چند طرح خرد کاربردی و مستقل تقسیم شود که چینه هرکدام از این طرح‌ها قطعات پازل طرح کلان را تکمیل نماید و در کوتاه‌مدت بتوان به مسئله و نیازمندی صنعت مربوطه پاسخ داده شود. اختصاص دادن اعتبار پژوهشی به اعضای هیئت‌علمی که به دوره مأموریت مطالعاتی ارتباط با جامعه و صنعت می‌رود عاملی است که انگیزه‌بخش و جبران زحمات هیئت‌علمی در انجام پروژه‌های موردنیاز بخش کشاورزی است. پیشنهاد می‌شود با توجه به مسئله تعریف شده برای مأموریت مطالعاتی و با توجه به حجم فعالیتی که در طی مدت این فرصت انجام می‌گیرد، اعتبار پژوهشی برای هر هیئت‌علمی در نظر گرفته شود تا بدون دغدغه بتواند پروژه‌های تقاضامحور و مسئله‌محور کاربردی را به انجام برساند.

بررسی تجارب موفق جهان در خصوص ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت و بومی‌سازی تجربیات بر اساس مقتضیات جامعه راه مناسبی برای اجرای موفق‌تر این طرح است. لذا، پیشنهاد می‌شود مطالعه عمیق در خصوص سازوکارهای ارتباط دانشگاه با بخش کشاورزی در کشورهایی که از نظر کشاورزی پیشرفته هستند؛ صورت گیرد و یافته‌ها برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود مطالعه عمیقی صورت گیرد و به بررسی این موضوع پرداخته شود فرصت-

تحلیل تجارب زیسته اعضای هیات علمی کشاورزی از مأموریت مطالعاتی در جامعه و صنعت

های مطالعاتی در صنعت که تاکنون به انجام رسیده از نظر کوتاهمدت تا چه میزان اثربخش بوده است و در میانمدت و بلندمدت چه آثاری را برجای خواهد گذاشت. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود تجارب تعداد بیشتری از اعضای هیئت‌علمی کشاورزی و به تفکیک در گرایش‌های مختلف اخذ شود و با در نظر گرفتن دستاوردهای حاصله، نیازمندی‌های سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف برای حضور و فعالیت هیئت‌علمی تحت عنوان مأموریت مطالعاتی شناسایی گردد.

منابع

- اطهری، ز. (۱۴۰۰). چالش‌ها و راهکارهای توسعه مزارع دانشجویی در پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی/ایران، جلد ۱۷، شماره ۱، صص ۸۳-۷۱. Doi: 10.22034/IAEEJ.2021.244187.1552
- ایزدی، ب.، حسینی، م.، اسدی، ع. و علم بیگی، ا. (۱۳۹۸). مأموریت سوم دانشگاه فراتر از انتقال فناوری: نقدی بر رویکردهای اقتصادی در تعامل دانشکده‌های کشاورزی با جامعه در کشور ایران. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد ۳، شماره ۴، صص ۵۶-۳۹. Doi: 10.22069/JEAD.2021.18678.1442
- بریمانی، خ. و عنایتی، ت. (۱۴۰۰). تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر ارتباط صنعت و دانشگاه؛ گامی به سوی دانشگاه کارآفرین. مجله مدیریت توسعه و تحول، شماره ۴۷، صص ۷۶-۶۱.
- بودلایی، ح. (۱۳۹۸). روش تحقیق پدیدارشناسی. تهران: اندیشه احسان.
- پیرامون، ع.، برادران، م. و سواری، م. (۱۴۰۱). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان: کاربرد نظریه بنیانی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی/ایران، جلد ۱۸، شماره ۲، صص ۱۰۳-۸۷.
- جوکار، ح. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی فرصت مطالعاتی ارتباط با جامعه در رشته‌های علوم انسانی؛ مطالعه موردی ارتباط اساتید علوم انسانی با اندیشکده‌ها. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۶، شماره ۱، دفتر ارتباط با جامعه و صنعت. (۱۴۰۱). فرصت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت. تهران: معاونت پژوهشی و فناوری؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- شریف‌زاده، ا.، عبدالله‌زاده، غ.، ایروانی، ه.، محمدزاده، س.، و شریفی، م. (۱۳۸۷). تحلیل دستاوردهای مورد انتظار از فرصت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی کشاورزی. مجله کشاورزی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۸۲-۶۹.
- عزیزی، خ.، رضایی، ب. و حسین‌پور، م. (۱۴۰۰). راهبردهای توسعه کارآفرینی در بستر ارتباط دانشگاه و صنعت. نشریه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، سال ۲۰، شماره ۴۷، صص ۳۶-۱۳. Doi: 10.29252/jbmp.2021.223379.1160
- کریم‌نژاد، ا. (۱۴۰۰). فرصت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی در جامعه و صنعت. تهران: معاونت پژوهشی و فناوری، دفتر ارتباط با جامعه و صنعت.
- محمدی، ی. و اسدپوریان، ز. (۱۴۰۱). تدوین الگوی توسعه کشاورزی دانش‌بنیان با محوریت امنیت غذایی با استفاده از رویکرد ترکیبی تئوری بنیانی و دلفی فازی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی/ایران، جلد ۱۸، ویژه‌نامه، صص ۲۴-۱.
- مراذنی‌ادی، ه. (۱۴۰۲). واکاوای کیفی بازدارنده‌های انجام کارهای تیمی دانشجویی در دانشکده کشاورزی دانشگاه ایلام. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی/ایران، دوره ۲-۵۴، شماره ۲، صص ۳۶۴-۳۴۷. Doi: http://doi.org/10.22059/IJAEDR.2022.326665.669058
- مقدس‌نوده، م. (۱۳۹۸). بررسی چالش‌های همکاری دانشگاه - صنعت. مدیریت نوآوری، سال ۸، شماره ۱، صص ۱۰۶-۸۹.
- میرشکاری، ع.، حجازی، ی.، موحد محمدی، ح. و حسینی، م. (۱۳۹۵). تبیین سازوکارهای تأثیرگذار در تعامل دانشگاه و صنعت در بخش کشاورزی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۱۷۲-۱۴۷.
- نظرزاده زارع، م.، محمدی، ش. و نورالهی، س. (۱۴۰۰). ارزیابی سیاست وزارت علوم در ایجاد فرصت مطالعاتی اجباری ارتباط با صنعت از منظر نهادی. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۱۶-۱.
- Doi:10.29252/MPES.2021.223877.1088
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۹۷). شیوه‌نامه فرصت مطالعاتی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در جامعه و صنعت. تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۶/۱۷. قابل دسترس در: <https://pajhooheshi.msrt.ir/fa>

- Ankrah, S., and Al-Tabbaa, O. (2015). Universities–industry collaboration: A systematic review. *Scandinavian Journal of Management*, 31, 387-408.
- Bhullar, S. S., Nangia, V. K., and Batish, A. (2019). The impact of academia-industry collaboration on core academic activities: Assessing the latent dimensions. *Technological Forecasting and Social Change*, 145(C), 1–11.
- Bruneel, J., D’este, P., and Salter, A. (2010). Investigating the factors that diminish the barriers to university–industry collaboration. *Research Policy*, 39, 858-868.
- Fernandes, G., O’Sullivan, D., and Ferreira, M. (2022). Addressing the challenges to successfully manage university-industry R & D collaborations. *Procedia Computer Science*, 196, 724-731.
- Priya, A., Saxena, T., Cwivedi, R., and Vishwakarma, K. (2021). University-industry linkage & development of higher education: A study about faculty perception. *Journal of Contemporary Issues in Business and Government*, 27(3), 2621-2625.
- Shin, K. M., Kim, N. Y., and Kim, Y. H. (2003). Study on the lived experience of Aging. *Nursing and Health Sciences*, 5(4), 245-252.
- Singh, A. (2019). Challenges in developing university-industry relationship: Quantitative evidence from higher education institutions in the UAE. *Emerald Open Research*, 1(10), 1-12.
- Sun, J., and Turner, H. (2022). The Complementarity investment in university-industry collaboration. *Innovative Higher Education*, 48, 539-556.

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/iaeej.2024.409251.1746

An Analysis of Agricultural Faculty Members' Lived Experiences of Society and Industry Sabbatical Leave

M. Pouratashi^{1*}

(Received: Jul. 30. 2023; Accepted: Dec. 19. 2023)

Abstract

Society and industry sabbatical leave is one of the ways to establish a systematic collaboration between “universities” and “society and industry”. In order to plan and implement this matter as effectively as possible, it is necessary to deeply analyze the merits and demerits of this program based on the lived experiences of the beneficiaries. Therefore, this research studied the lived experiences of agricultural faculty members with a qualitative approach. Phenomenological method was identified to a suitable method for this purpose. In order to collect data, some in-depth interviews were conducted with the agricultural faculty members. After conducting 13 interviews and achieving the theoretical saturation, data gathering was stopped. Data were analyzed using Colaizzi's strategy and MAXQDA software. Trustworthiness of the data and results was achieved by credibility, authenticity, transferability, and confirmability. The findings showed that the expected outcomes of faculty members from the society and industry sabbatical leave included: (a) scientific, educational, and research promotion, (b) trust and expanding future cooperation, (c) communication, support, and networking, and (d) personal-professional promotion. However, based on the lived experiences of participants, some factors including (a) transparency and information, (b) administrative process, (c) rules and guidelines, (d) support services, and (e) aligning with the concern of the faculty member were of the most important challenges of faculty members in their sabbatical leave in society and industry. Therefore, for the effective implementation of the sabbatical leave, it is necessary to make decisions and actions to eliminate the mentioned challenges.

Keywords: Sabbatical leave, Society and industry, University, Scientific promotion, Networking, Expanding Future cooperation.

¹ Faculty member, Department of Comparative Studies in Higher Education, Institute for Research & Planning in Higher Education, Tehran, Iran

* Corresponding Author, Email: m.pouratashi@irphe.ir

